

قصیدہٴ عشق

— یوسف آزادمنش —

www.ketab.ir

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	آزادمنش، یوسف، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	قصیده عشق / یوسف آزادمنش.
مشخصات نشر	مشهد: محقق، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۷۹ ص.
شابک	۹۷۸۶۰۰۸۳۷۵۵۸۶: ۱۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry -- 20th century
رده‌بندی کنگره	PIR۸۳۳۳
رده‌بندی دیوینی	۸۴۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۲۷۷۶۴

قصیده عشق

یوسف آزادمنش

ویراستار: نفیسه محمدزاده
سر ویراستار و مدیر داخلی: سید خلیل حسینی
چاپ اول، ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۵-۵۸-۶
حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.
۱۵۰۰۰ تومان

انتشارات محقق

مشهد، خیابان دانشگاه، خیابان اسرار، مقابل
دانشکده علوم، پلاک ۵۳، تلفن: ۰۹۱۵۱۱۶۳۱۰۰

انتشارات

محقق

۴۶	گل آدم به نیکویی سرشتند
۴۷	اندوه فراق
۴۸	شکوه زدل
۴۹	در به در عشق
۵۰	افسون نگاه
۵۱	اسیر شام تار
۵۲	غم زمانه
۵۳	چون و چند عشق
۵۴	دل بیچاره
۵۵	اسیر گیسو
۵۶	تاراج زمانه
۵۷	توان و طاقتم نیست
۵۸	دریای عشق
۵۹	داغ غم عشق
۶۰	سنگین دل
۶۱	تیر چشمان
۶۲	قلب جای آه
۶۳	عشق تو در سینه خود کاشتم
۶۴	افسون چشمان
۶۵	یاد تو دست دریادم
۶۶	اکدن تو کجایی
۶۷	آری تو نذر خواهم کرد
۶۸	دل شکر بند
۶۹	بیداد غم عشق
۷۰	دام زندگی
۷۱	در عشق پریشانم
۷۲	مایه پرواز
۷۳	غم بهر دنیا چیست
۷۴	خانه دل بستگی
۷۵	آتش غم
۷۶	جان ویران
۷۷	شب مستی
۷۸	به دنبال دل آرام
۷۹	جراغ تاریک بخت

۷	پیش گفتار
۱۳	قصیده عشق
۱۴	ایران به جز نیک نداد
۱۵	غم جانانه
۱۶	مجنون زمان
۱۷	گذراز کوی تو
۱۸	نور چشمان
۱۹	خالق غم دو زمان
۲۰	غم عشق
۲۱	در این مری
۲۲	لباس عشق
۲۳	درد دل
۲۴	جانان من
۲۵	تیر عشق
۲۶	شمع شب درد
۲۷	امروز خوش باش
۲۸	غم هجران
۲۹	چهار موسم مازندران، بهار
۳۰	دل شیدا
۳۱	روح سرگردان
۳۲	عاشق دیوانه
۳۳	دل رها از همه دنیا
۳۴	جهانت چون به سر شد
۳۵	می عشق
۳۶	آسمان عشق
۳۷	خود را بدار باور
۳۸	در عشق تو حیرانم
۳۹	شعله عشق
۴۰	غبار گام
۴۱	مجنون عشق
۴۲	خزان بی بهار
۴۳	یار پیمانه ز غم
۴۴	عشق جگر سوز
۴۵	طوفان پریشانی

پیش‌گفتار

«شعر» مصداق «کم‌گوی و گزیده‌گوی چون‌دُر» است. نعمت و هنر شعر سرایی هنردرذانه‌ای است که درهای آن را باید بانخ‌فهم به تسبیح عشق کشید و سجاده فرهنگ را برای ستایش آن معطر به سرایش شعر کرد.

مشرق زمین، جایگاه شعر و شاعری؛ و ایران زمین مهد شعر وزین و حکمایی است. شعر فارسی در دوران‌های مختلف تاریخی، به اجبار و مصلحت اندیشی در سبک، رنگ و بوی حکمت و آرمان‌های زمانه را به خود می‌گرفت تا حافظ تاریخ خود و چراغ آیندگان را آگاه به زمان و خواص جامعه باشد.

شعرایرانی باید فاساده‌ای بنامیم که با خدشه‌های تلاطم‌های تاریخی، نه تنها راه خود را گم نکرد که مع‌کم‌ت قبل‌گام برداشت و با سنگربانی شعرای این مرزو بوم، سخن و اندیشه خود را سینه به سینه، نسل به نسل نگهبان بودند و این امر مهم را به نسل‌های بعد انتقال دادند.

مفاخر و بزرگان شعرایران را نباید شمر نامید که حکمایی هستند در لباس ادیبان. حکمایی همچون حافظ، سعدی، خاقانی، مولوی، فردوسی، منوچهری، نظامی، اعتصامی، رودکی، خیام، باباطاهر، سنایی، انوری و شهریار و... که اگر بخواهیم فقط نام ببریم لیست چند صفحه‌ای می‌شوند. هر یکی حکیمان ادیب و نگهبانان سخن و شعر فارسی بوده‌اند. ما در روزگار کنونی به پندار این نهضت و ایستادگی می‌باشیم و یزدان را طالبیم تا در نزد پیشینیان و آیندگان بی‌روم و بی‌سپید باشیم.

تنوع در سبک و موضوعات شعر فارسی یکی از زیبایی‌های هنر شعر فارسی است که توانسته دل و جان گروه‌های متنوع اجتماعی در دوران‌های مختلف را تسخیر و بر

آن حکمرانی کند. سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک هندی و سبک جدید در موضوعات پند و اندرز، تاریخ و حماسه، مدح و اهل بیت، دلگویه و اندیشه، عاشقی و داستانی، خیال و افسانه، کودکان و جوانان و پیران، زنان و مردان، مُرُوت و حکمت و... در لول چند قرن و کارنامه فعلی آن، زنده بودن مقتدرانه شعر فارسی، مصداق این سلام می باشد.

«آهن آب دبا را رنگ عوض نمی کند»

شاید بترن بخش گات های اوستا از کتاب مذهبی زرتشت را قدیمی ترین سخن موزون ایرانی محسوب کنیم. یعنی حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح (علیه السلام)

«هرگز به گفتار و آموزش دروغ پیرست و گمراه گوش ندهید

زیرا چنین کسی خانه و ده و شهرش را بر باد دهد»

به ویرانی و تباهی کشاند

پس باید آنان را از خود دور سازید و به خود را «سبک»

در این جا نمی خواهیم تاریخ ادبیات و شعرای ایرانی را بررسی کنیم. موضوعات مختلف جامعه و تاریخی در قالب سبک های ادبیات، شعر فارسی را به تکامل رساند. بیان مدح و هجو، تغزل و پند، حکمت و قرآن در شعر ایرانی به سبک خراسانی یا ترکستانی در قرون چهارم، پنجم و ششم هجری و ظهور شعرای ایرانی مانند فردوسی، سنایی، فرخی، عنصری، رودکی، ناصر خسرو، منوچهری و دیگر شعرای این قرون نشان از اهمیت و تأثیر سبک خراسانی در استمرار و ثبات شعر فارسی دارد. می توان این گونه گفت که رواج غزل، قصیده و مثنوی در ادبیات شعر فارسی، مدیون سبک عراقی در قرون هفتم، هشتم و نهم است. اوج سبک عراقی در غزلیات حافظ و سعدی نمایان است البته در بین شعرای آن زمان عرفان و تصوف رایج بود و

تصوف در سروده‌های عطار و مولوی کاملاً مشهود است. رشد شعر فارسی در موضوع اهل بیت (علیهم السلام) و مذهب در سبک هندی یا سبک اصفهانی شکل گرفت که در دوران صفویه و رواج مذهب تشیع شروع شد. در دوران جدید نیز بنا به علاقه و تحصیل، رجوع برخی شعرا به سبک‌های قدیم و یا یک شاعر خاص شکل گرفته است.

رو: کلی «قصیده عشق» را می‌توان در قالب سبک‌های خراسانی و عراقی در موعظات پند و اندرز، دل‌گویه و اندیشه معرفی نمود. «یوسف آزادمنش» متخلص به «وحید» شاعر جوان این زمین در شعر «گذراز کوی تو» چنین می‌سراید:

به (وحید) از نظر اسف: تا نگری دل ز عالم همه بربست و ثناگوی توشد

و یا در شعر «جهانت چون» سرشد:

به پایان مشیت خاکی جایگاه است چه فرق گر گدایی یا که شاهی
و همچنین در شعر «شب مستی»:

(وحید) اکنون که هستی زندگی کن نه بنگراز کی و هم بر چه زادم

و اشعار و ابیات دیگر «قصیده عشق»، رو: در چن خواننده را با فضای پند و نصیحت عجین می‌نماید که شعرای قرون هفتم، هشتم و نهم استاد این سبک سروده بودند.

ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن کز تر نای: هیچ کار
و یا این بیت سعدی

زبان در دهان ای خردمند چیست؟ کلید در گنج صاحب هنر
و یا اشعار مولوی

در این خاک در این خاک در این مزرعه پاک

به جز عشق به جز عشق دگر هیچ نکاریم

زیبایی سروده‌های «آزادمنش» در صراحت بیان و شیوایی کلام او است و حتی

در برخی موارد، گام را فراتر می‌گذارد و سخن و حرف حقش را به طبع شعر می‌سراید. مانند بیتی در شعر «ایران به جز نیک نداد»

سرشت است در غم به ایرانیان پرانده قلب و ولی چهره شاد
«آزادمنش» در «قصیده عشق» افکار و اندیشه‌های شخصی خودش را در مایه پند و اندرز، با اشکال متنوع سخن در قالب غزل، به زیور شعر آراسته. برخی ابیات آن قدر معنادار و مفهومی است که باید برای توضیح آن وقت گذاشت و بعضاً داستان‌های را یادآور شد و البته همین اشعار را ساده و وزین سروده است. مانند:

رسد دیگر بنی‌آباد به جای میان آب نیل آن‌گونه جان داد
تفکر و اندیشه «آزادمنش» در سروده‌های ناپش به نام «چشمه سار زندگی»^۱ مشهود و ملموس است. «چشمه سار زندگی» اولین اثر این شاعر جوان و توانا بود که ادبیات فارسی از آن بهره برد.

زیباترین و جذاب‌ترین موضوع در «قصیده عشق» و «چشمه سار زندگی» برای بنده، روح لطیف عاشقانه «یوسف آزادمنش»^۲ است. هرمان که یک بوکسینگ کشور در سال ۱۳۸۳ است. جوانی با روحیات جنگنده ریشه ورزشی. یک بوکسینگ که به واسطه تصادف رانندگی و آسیب در ناحیه مخچه، از زندگی و ورزش جدا و زندگی جدیدی را تجربه می‌کند و در تلاطم‌های زندگی امروزی چنین روحیه لطیف شاعری و عاشقانه دارد، بسی جای تحسین و درس آموزی دارد که تصادف را به دنبال آن پدیده‌ای به نام معلولیت، پایان زندگی نیست؛ بلکه فقط شکل فرم زندگی عوض شده و زندگی همیشه جاری است. پس بهتر است با عشق زندگی را جاری و همراه شویم.

«قصیده عشق» مجموعه‌ای از رموز زندگی و درس‌های اخلاقی است که «آزادمنش» به طور اکتسابی و تحصیل، عشق و ارادت به زبان و ادبیات فارسی از

شعرای قدیم به ارث برده و برای شعرای آینده به ارث می‌گذارد.

نکته جالب توجه دیگر در زندگی «آزادمش» عدم تحصیلات ادبیات است. وی که دیپلم ریاضی و فیزیک دارد در «اولین رویداد انتقال تجربه معلولین در کشور به سبک ید» در ۹ اسفند ۱۳۹۷ در تالار شهر مشهد می‌گوید: «کمک‌کننده به من در شعر فقط دوست داشتن و مطالعه خارج از محدوده درسی بوده دانش کلاسیک». قرائت اشعار «یوسف آزادمش» را در «قصیده عشق» و «چشمه سار زندگی» به همه رستمداران فرهنگ ایران زمین توصیه می‌کنم و از این‌که بنده حقیر را لایق دانستند تشکر می‌کنم. اشعار و سروده‌هایشان داشته باشم اول خدا خود را شکر گزارم و سپس از ایشان سپاس بگویم.

ارادتمند - یحیی توکلی

ارتباط با مولف:

آی دی تلگرام @useful11
 کانال تلگرام @rahgozare_zendagii
 پیج اینستاگرام @rahgozare_zendagii
 پست الکترونیک U1983a61@gmail.com
 وبلاگ کتاب قصیده عشق http://ghaside98eshgh.blogfa.com